

و کما انکه لغت و دولت و کار با کتد عید هم همان دم زمان و کتد درین عید  
بالکس هر چه با ناید اندیشه و جاری و اندوه و مانند آن در روز جشن مسلمانان در وقت  
کوبی و میانی است حدوث در عرب که شتران بخت از شل ایند عیاد بالکس هر چه جاری  
کردن و بزبان و نایز آمده خاک کتد است ح الدال عود بالفتح بناه بر آن در  
بالغم نوزائیدگان از است شتر و کتد بدو هوج عاید و بختین بناه و بلخی و کرا تید  
مردم سفله و دون و بالغم و شتر بدو و مفتوح کلاه درین خار سینه یا بجای دی نور که شتر  
بوی برسد و کوشش که بر استخوان جسمه باشد و مرغ بناه بر تید و بجای عواد بالفتح  
و در شتر عیاد بالکس شتر بردن و بلخی و مرغ که کتد و جز آن بناه بر و عیاد نوزائیدگان  
است شتر و جز آن و بناه بر تید ح الرامعین بالفتح بیان کردن خوار و جز او در وقت  
و مال و جز آن و با نایز خواندن کتاب را ای و از و بالغم بسیار تید هر چه و کرده و کرا تید  
و قبله است و وزن و فرزند مرده و بر کوشش و رند و عقاب و بالکس و بختین کتد  
تا بیان خوب کتد از نوع و قبله است و بالغم و بالغم کتد از نوع و در و در و هر چه حرکت شتر و  
با کتد که بوسه در شتر باشد عید نوسه و شیت عودت که از نصدل و کل و کلای شتر  
سازند و بعضی کتد نوسه و شیت با شتر آن آید و بعضی شتر از خوران را کتد از نصدل  
خطاست عید بالغم کتد شتر از است بالغم نوسال از نصدل و کتد و در وقت نکرده  
عاب ر یکدی و بلف با نام رسیده از سه سام بن فوج عید بالغم نوسه شیت جینا ترا و عرب  
هر چه از مردم و جامه و نوسه و جز آن که در وقت شتر و لطافت بود بدان موضع شیت کتد  
و بعضی کتد دهنی است که در آن جامه و نوسه شتر خوب میشود عید بالغم نوسه شتر آن نوزاد  
نوسه و نوسه شتر هر دو کتد که کوشش و بزرگ و تیز و در از نصدل عید بالکس اصل کتد  
از او رید یا در شیت کتد که شتر و هر چه با پای کتد شتر و بزرگی که در آن شتر کتد و قبله  
و در شتر و جز آن و بختین که در پیش نه بهما بوسه می کنند که چاه کتد بر آن مای خود و افکار

عید بالکس شتر  
نوسه و شیت در  
مسئله و منوره که  
شتر از نصدل کتد  
سوره اند  
کتد

و در و نیک کند و هذیان و بالغم نوزیدن و بختین نوز و جز آن و نوسه شتر  
و بختین فوج بریده شده و بختین شند و کتد عتار بالفتح و شتر است و کتد  
و اسب تو انا و جای در شتر که آن است نایز عتار بالفتح بر و افشادن  
عاید مملکت و بختی و بجای که از جهت شتر در نوز و جز آن شیت نایز کتد  
عاید بالغم مطلع و دیده و در شتر عتار بالغم دیده و در شتر و در و عتار شتر  
بسن و بالغم عقاب و در و بختین نوز آمده و بالغم و شتر نایز جا شیت کردن  
بسیار ای باشد عتار شاکت خوار و در آن بختی عتار بالغم دم بردن و نوسه شتر  
در و دیدن و شتاب رفتن اسب شتر و اسب کتد کردن بر کسی کردن تا نوسه و  
با کتد بالغم نایز و در شتر و بختین سطر و فرجه شدن و در آمدگی هر چه و بالغم  
و نوسه کتد سطر و فرجه عید نامر و نوز ای بختین آمده عتار بالغم همان نوز  
سعد و در شتر و بالغم فشار ندادن و کلام کردن بر شتر و نوسه کردن و بسیار عتار  
کتاب شدن و طعام خند کردن و وزن بر شتر خنای کتد در آن نوسه و کتد  
شدن و خانه عتار بالکس شتر و خطار شتر از هر دو جانب و نشان فشار بر کتد  
و طعمی که برای نکر کردن شتر کردن و هر چه بی کتد هر سانه شتر عتار  
نشان جراحت و در وقت خون استحاضه و غایط آدمی عتار و بدی و در شتر که بختین  
ناراه رود عتار بالغم و شتر و کرا و کرا گین شدن و بالغم فوجی که در کردن شتر بجای  
میشود و بیمار است که بوی شتر بریزد و جوان و کوه شیت بعد از عتار بالغم با کتد  
کردن شتر مرغ نوز نام مرد شیت و بالغم کتد شتر که از نوسه شتر و بهار شتر  
و نام کوه شیت که با کتد نام کوه شتر و کوه شتر و کوه شتر هر دو در نوسه شتر  
سیان در وقت که در شتر و قضا و وادی است عتار بالغم شتر کتد و کتد شتر  
عید در وقت از نوسه شتر و در اصل فارس شیت و نام مومنی است عتار بالغم